

کالج پروژه

www.collegeprozheh.ir



دانلود پروژه های دانشگاهی

بانک موضوعات پایان نامه

دانلود مقالات انگلیسی با ترجمه فارسی

آموزش نگارش پایان نامه ، مقاله ، پروپوزال

دانلود جزوه و نمونه سوالات استعدادی

دانلود رایگان پرسشنامه

SIP

مصاحبه ی ساختار یافته ی PTSD

حروف اول نام خانوادگی : رمزشناسایی (ID) تاریخ
ساعت ویزیت سن جنس نژاد و قومیت

مقدمه (البته در صورتی که این اولین برخوردتان با مراجع باشد)

می خواهم راجع به علت مراجعه ی شما به این مرکز سؤالاتی بپرسم.

سن شما چقدر است؟ محل سکونت؟

آیا شاغل هستید؟ اگر بله : شغل شما چیست؟

اگر نه : آخرین شغلان چه بود و کی آن را ترک کردید؟

نوع فعالیت شما در محل کار چه بود؟

علت ترک شغل؟

در منزل رفتار اطرافیان با شما چگونه است؟ رفتار متقابل شما چگونه است؟

A. تجربه ی آسیب هیجانی

A1 : آیا تا به حال با یک واقعه ی ناراحت کننده روبرو شده اید ، که در آن خطر مرگ یا آسیب جسمی برای خودتان یا دیگران وجود داشته باشد؟

☐ بله ☐ خیر

A2 : آیا در آن رویداد شما وحشت زده بودید و احساس می کردید کاری از دستتان بر نمی آید؟

☐ بله ☐ خیر

تا چه مدت با آن موقعیت درگیر بودید؟

ناراحت کننده ترین چیزی که از آن رویداد به خاطر دارید چیست؟

A3: نوع واقعه را مشخص کنید. با استفاده از یک رمز عددی مشخص کنید واقعه چه بود. توضیحات روایتی را هم می توانید در این قسمت ثبت کنید.

سن در زمان واقعه	رویداد
.....	۱= جنگ
.....	۲= تجاوز جنسی
.....	۳= انواع دیگر تجاوز/ تهاجم فیزیکی
.....	۴= دیدن کسی در حال کشته شدن
.....	یا صدمه دیدن
.....	۵= بلایای طبیعی
.....	۶= تصادف/ [حوادث غیر مترقبه]
.....	۷= داغدیدگی پیچیده
.....	۸= جان سالم به در بردن از یک حادثه
.....	۹= یک بیماری تهدید کننده ی زندگی
.....	۱۰= موارد دیگر (مشخص کنید)

A4: مشخص کنید ناراحت کننده ترین حادثه کدامیک بوده و در ادامه ی مصاحبه بر آن تمرکز کنید.

B: تجسم مکرر واقعه ی آسیب زا

آیا مدتی بعد از حادثه ، متوجه شدید که دائماً قسمت های زیادی از حادثه را به خاطر می آورید؟ یا در خواب می بینید؟

☐ خیر ☐ بله

این وضعیت چقدر طول کشید؟ آیا این حالت حداقل به مدت یک ماه برایتان تکرار شد؟

☐ خیر ☐ بله

آیا این حالت حتی زمانی که سعی می کردید چیزی به خاطر نیاورید باز هم اتفاق می افتاد؟

☐ خیر ☐ بله

دوره زمانی / مورد بررسی / معمولاً هفته ی گذشته می باشد. با این حال اگر هدف مصاحبه تعیین بدترین شرایط ممکن تا کنون باشد، یا اینکه هدف، ارزیابی تشخیصی باشد - که به این منظور / وجود / همزمان علایم طی یک دوره ی چهار هفته ای الزامی است - می توان دوره ی زمانی / مورد نظر / را به تناسب تطبیق داد.

B. آسیب هیجانی

B1: آیا [در این مدت] در ذهن خود افکار و تصویرهایی از حادثه داشته اید که هرچه سعی می کنید آنها را از ذهن خود دور کنید نمی توانید؟

0 = نه هرگز

1 = خفیف: به ندرت رخ می دهند. این افکار و تصویر ها چندان مرا آزار نمی دهند.

2 = متوسط: هفته ای یک بار این افکار به ذهنم می آیند و کمی آزارم می دهند.

3 = شدید: این افکار هفته ای چهار بار به ذهنم می آیند و آزارم می دهند.

4 = بسیار شدید: هر روز به ذهنم می آیند و آنقدر ناراحت کننده هستند که زندگی ام را خراب می کنند.

☐ تجربه ی [هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

B2: رؤیاها (خواب دیدن ها)

می خواهم درباره ی رویاهایتان (خواب هایتان) سوالاتی ببرم. آیا طی این مدت [درباره ی وقایع خطرناک مثل صدمه دیدن، مردن یا جنگ، ویرانی و غیره خواب های تکراری دیده اید؟ آیا این خوابها همان صحنه های واقعی که در آن حضور داشتید بودند؟ آیا افراد درون رویا را می شناسید؟ در هفته ی گذشته این خواب ها چند دفعه تکرار شدند؟ آیا موقع دیدن این خواب ها از خواب می پرید و دچار حالات زیر می شوید: عرق ریختن، فریاد زدن، لرزش، دلکوبه، نفس زدن و غیره.

0 = هیچ مشکلی از این لحاظ ندارم

1 = خفیف: این خواب ها کم اتفاق می افتند و چندان ناراحت کننده نیستند.

2 = متوسط: در هفته ی گذشته یک بار از این خواب ها دیدم که کمی ناراحت کننده بود.

3 = شدید: در هفته ی گذشته 4 بار از این خواب ها دیدم که ناراحت کننده بودند.

4 = بسیار شدید: در هفته ی گذشته شش یا هفت بار از این خواب ها دیدم و این خواب ها بسیار ناراحت کننده بودند.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

B3: عمل کردن یا احساس کردن به نحوی که گویا آن رویداد هم اکنون دارد رخ می دهد.

آیا تا به حال اتفاق افتاده در مقابل یک چیز معمولی (مثل صدای بهم خوردن در) طوری عکس العمل نشان دهید که انگار حادثه در همان لحظه دوباره دارد اتفاق می افتد؟ مثلاً در اثر صدایی بلند احساس می کنید که دیگر در اتاق نیستید بلکه در جریان حادثه هستید و برای نجات جان خود یا دیگران باید کاری بکنید و تا مدتی در این وضع هستید تا اینکه بالاخره متوجه می شوید در اتاق هستید و اوضاع امن است؟

0- نه هیچ وقت

۱- خفیف: این حالت خیلی کم اتفاق می افتد، مثلاً در هفته ی گذشته یک بار اتفاق افتاده است.

۲- متوسط: این حالت در هفته ی گذشته ۳ الی ۴ بار اتفاق افتاده است.

۳- شدید: این حالت در هفته ی گذشته ۵ الی ۶ بار اتفاق افتاده است.

۴- بسیار شدید: هر روز.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

B4: پریشانی روانشناختی در موقع مواجهه با یادآور های آن رویداد(ها).

آیا وقتی که چیز خاصی شما را به یاد حادثه می اندازد باعث می شود وضع عصبی شما بهم بریزد؟ از چیزهایی مثل برنامه های تلویزیونی، شرایط جوی، اخبار، سالروزهای رزمندگان، و بلایای اخیر که متضمن از دست دادن زندگی، از دست دادن دوستان خوب، یا حضور در مکانی که شخص را به یاد آن رویداد می اندازد سؤال کنید. (مثلاً بطوریکه احساس خشم، غم، عصبانیت یا اضطراب پیدا کنید؟)

0- نه هرگز

۱- خفیف: به خاطر آوردن حادثه کمی وضع عصبی ام را خراب می کند ولی چندان برایم مهم نیست.

۲- متوسط: به خاطر آوردن حادثه وضع عصبی ام را بهم می ریزد و مرا آزار می دهد.

۳- شدید: به خاطر آوردن حادثه وضع عصبی ام را بهم می ریزد و به شدت آزارم می دهد.

۴- بسیار شدید: به خاطر آوردن حادثه آنقدر وضع عصبی ام را به هم می ریزد که باید در بیمارستان بستری شوم یا به دیدن پزشک بروم.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

B5: آیا اتفاقی که حادثه را به یادتان می آورد باعث می شود چند مشکل بدنی پیدا کنید (مثل عرق کردن، لرزش،

تسریع ضربان قلب، حالت تهوع، نفس نفس زدن، سرگیجه، و غیره).

0- نه هرگز

۱- خفیف: خیلی کم پیش می آید که به یادآوردن حادثه از این مشکلات بدنی در من ایجاد کند.

۲- متوسط: گاهی به یادآوردن حادثه از این مشکلات بدنی برایم ایجاد می کند و کمی آزارم می دهد.

۳- شدید: خیلی پیش می آید که به یادآوردن حادثه از این مشکلات بدنی برایم ایجاد کند و این مشکلات بدنی ناراحت کننده هستند.

۴- بسیار شدید: به یادآوردن حادثه همیشه از این مشکلات بدنی برایم ایجاد می کند، این مشکلات بدنی آنقدر برایم ناراحت کننده هستند که گاهی برای معالجه ی آنها به دیدن پزشک می روم (مثلاً درد سینه چنان شدید بوده که بیمار مطمئن بوده دچار یک حمله ی قلبی شده است).

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C. اجتناب از محرکهای مرتبط با آسیب هیجانی

C1: آیا در این مدت سعی کرده اید خود را از افکار حادثه دور نگه دارید؟ مثلاً آیا سعی کرده اید از هر چیزی که شما را به یاد حادثه می اندازد اجتناب کنید؟

0 = عدم اجتناب

1 = خفیف: گاهی اوقات سعی می کنم به حادثه فکر نکنم ولی اگر هم به یادم بیاید زیاد اذیتم نمی کند.

2 = متوسط: بطور جدی سعی می کنم از چیزهایی که حادثه را به یادم می آورند اجتناب کنم.

3 = شدید: از همه ی چیزهایی که باعث به یاد آوردن حادثه می شوند شدیداً اجتناب می کنم (مثلاً، دائم از محلی به محل دیگر نقل مکان می کند / نمی تواند کار کند / یا بیش از اندازه کار می کند / یا برای اجتناب از افکار و احساسات به سوء مصرف دوره ای مواد می پردازد).

4 = بسیار شدید: این اجتناب تأثیر منفی زیادی بر روی زندگی ام می گذارد.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C2: اجتناب از فعالیت هایی که موجب یادآوری آن رویداد می شوند.

آیا از مکان ها، افراد، صحبتها، یا فعالیت هایی که حادثه را به یادتان می آورد اجتناب می کنید؟

0 = عدم اجتناب

1 = خفیف: گاهی اجتناب می کنم ولی اگر هم در این موقعیت ها قرار بگیرم چندان آزارم نمی دهند.

2 = متوسط: از این موقعیت ها بطور جدی اجتناب می کنم.

3 = شدید: تمام تلاشم این است که خودم را از این موقعیت ها دور کنم و این کار تأثیر منفی بر زندگی ام دارد.

4 = بسیار شدید: در اثر این اجتناب نمی توانم خانه بیرون بروم (مثلاً برای خرید بیرون نمی روم).

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C3: فراموشی روانزا

آیا قسمت مهمی از حادثه را به یاد نمی آورید؟

0 = همه چیز را به خاطر می آورم.

1 = خفیف: اکثر جزئیات را به یاد می آورم.

2 = متوسط: بعضی قسمت های مهم حادثه را نمی توانم به یاد بیارم.

3 = شدید: چیز خیلی کمی از حادثه به یاد می آورم.

4 = بسیار شدید: هیچ چیز از حادثه به یاد نمی آورم.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C4: از دست دادن علاقه

بعضی از فعالیت ها برای افراد لذت بخش هستند (مثل تفریح، ورزش، گردش، مهمانی، سفر و غیره). آیا احساس می کنید علاقه ی خود را نسبت به این فعالیت ها از دست داده اید؟

0 = علایق گذشته ام را از دست نداده ام.

1 = خفیف: علاقه ام نسبت به یک یا دو فعالیت لذت بخش کمتر شده است.

2 = متوسط: علاقه ام نسبت به چندین فعالیت لذت بخش کمتر شده است.

3 = شدید: علاقه ام نسبت به اکثر فعالیت های لذت بخش کمتر شده است.

4 = نسبت به هیچ فعالیتی علاقه ندارم.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C5: گسستگی / احساس بیگانگی

آیا هم اکنون با افراد دیگر کمتر رابطه دارید؟ آیا در بین دیگران احساس تنهایی می کنید؟

0 = چنین مشکلی ندارم (خودم را تنها احساس نمی کنم).

1 = خفیف: احساس تنهایی می کنم ولی هنوز هم در سطح عادی با دیگران رابطه دارم.

2 = متوسط: گاهی در جمع هایی که بقیه در آن شرکت می کنند (مثل مهمانی ها) حضور نمی یابم.

3 = شدید: معمولاً خودم را از افرادی که قبلاً با آنها رابطه داشتم دور نگه می دارم.

4 = بسیار شدید: هیچ نوع رابطه ای با دیگران ندارم و از صحبت با دیگران به شدت دوری می کنم.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C6: محدودیت دامنه ی عاطفه

آیا می توانید احساساتان را ابراز کنید؟ یا فکر می کنید بی تفاوت شده اید؟ (مثلاً اگر کسی با خوشحالی خبر خوشی برای شما بیاورد عکس العمل شما چیست؟).

0 = می توانم احساسم را ابراز کنم.

1 = خفیف: ابراز احساس اندکی برایم مشکل است.

2 = متوسط: در ابراز کردن احساسم مشکل جدی دارم.

3 = شدید: در ابراز احساسات خیلی مشکل دارم و نمی توانم احساسی از خود بروز دهم.

4 = بسیار شدید: هیچ احساسی ندارم، و در اکثر مواقع بی تفاوت هستم.

☐ هفته ی گذشته را درجه بندی کنید

C7: آینده‌ی نافرجام (با قضاوت مصاحبه‌گر پر شود).

آینده‌ی خود را چگونه می‌بینید؟ برنامه‌ی شما برای آینده چیست؟

0 = آینده‌ای مثبت یا واقع‌بینانه را توصیف می‌کند

1 = خفیف: گاهی نسبت به آینده ناامید می‌شود و گاهی امیدوار (بستگی به رویدادها دارد)

2 = متوسط: اکثر مواقع ناامید است.

3 = شدید: همیشه ناامید است.

4 = بسیار شدید: هیچ آینده‌ی مثبتی را نمی‌تواند تصور کند. یک مرگ زودرس را پیش‌بینی می‌کند (البته برای آن مبنای طبّی کافی ندارد)

☐ هفته‌ی گذشته را درجه‌بندی کنید

D: افزایش برانگیختگی

D1: اختلال خواب

خوابتان چطور است؟ آیا در به خواب رفتن مشکل دارید؟ آیا در اواسط شب بیدار می‌شوید؟ آیا بعد از بیدار شدن دوباره می‌توانید به خواب بروید؟

0 = کسری خواب ندارد.

1 = خفیف: بیش از دو شب در هفته در به خواب رفتن مشکل پیدا می‌کنم.

2 = متوسط: بیش از سه شب در هفته در به خواب رفتن مشکل دارم.

3 = شدید: همه‌ی شب‌ها در به خواب رفتن مشکل دارم.

4 = بسیار شدید: من هر شب کمتر از سه ساعت می‌خوابم.

☐ هفته‌ی گذشته را درجه‌بندی کنید

D2: آیا در مقایسه با قبل زودتر عصبانی می‌شوید و آسان‌تر از دست دیگران می‌رنجید؟ [این احساس رنجش را

چطور ابراز می‌کنید؟ آیا به شدت عصبانی می‌شوید؟

0 = نه هرگز

1 = خفیف: گاهی احساس خشم و رنجش می‌کنم ولی دیگران متوجه آن نمی‌شوند.

2 = متوسط: زود از دست دیگران می‌رنجم و گاهی دعوا و مشاجره می‌کنم (بیش از یکبار در هر دو هفته)

3 = شدید: اکثر مواقع عصبانی هستم و از دست دیگران می‌رنجم. به خاطر عصبانیت زیاد رابطه‌ام با دیگران خراب می‌شود.

4 = خیلی شدید: همیشه احساس عصبانیت می‌کنم و با دیگران مشاجره می‌کنم و درگیر می‌شوم (آشکارا پرخاشگر و مهاجم است/ نقص بارز در عملکرد).

☐ هفته‌ی گذشته را درجه‌بندی کنید

D3: نقص در تمرکز (با قضاوت مصاحبه گر پر شود).

آیا در تمرکز حواس مشکل دارید؟ مثلاً در موقع خواندن کتاب یا تماشای تلویزیون، آیا می توانید ذهنتان را متمرکز نگه دارید؟ (می خواهم تمرکز شما را ارزیابی کنم) سریع از ۱۰ تا صفر معکوس بشمارید، از ۱۰۰ تا ۳ تا کم کنید؟ از ۷، ۱۰۰ تا ۷ تا کم کنید؟

0= مشکلی در تمرکز کردن ندارد.

۱= خفیف: مشکل اندکی در تمرکز کردن دارد.

۲= متوسط: در تمرکز کردن مشکل دارد (مشکل خود را توصیف می کند).

۳= شدید: بخاطر تمرکز نداشتن در فعالیت های روزمره دچار مشکل می شود، مثلاً در کارش مشکل پیدا می کند.

۴= بسیار شدید: بخاطر نداشتن تمرکز حتی کارهای ساده را هم نمی تواند انجام دهد.

هفته ی گذشته را درجه بندی کنید ☐

D4: گوش به زنگی

آیا احساس می کنید دائم در حال آماده باش هستید و مواظب اطراف هستید که مبادا اتفاق ناگواری بیافتد؟

0= احساس خطر نمی کنم و حالت آماده باش ندارم.

۱= خفیف: گاهی مواظب اطراف هستم تا اتفاق ناگواری نیافتد ولی این کم پیش می آید و آزارم نمی دهد.

۲= متوسط: بعضی وقت ها خیلی مواظب اطرافم هستم که اتفاق ناگواری نیافتد و این مرا آزار می دهد.

۳= شدید: اکثر اوقات مواظب اطرافم هستم تا اتفاق ناگواری نیافتد؛ این وضع خیلی مرا آزار می دهد.

۴= بسیار شدید: احساس می کنم در تمام مدت زندگی ام باید مواظب باشم که اتفاق ناگواری نیافتد و این خیلی آزارم

می دهد (دائم در حال آماده باش بسر می برد) خیلی خود را به دیوار می چسبانم، در روابط اجتماعی بخاطر احساس

های خطر دچار نقص شده است).

هفته ی گذشته را درجه بندی کنید ☐

D5: از جا پریدن

آیا در اثر یک چیز معمولی مثل یک صدای بلند ناگهان هول می کنید و از جا می پرید؟ (در اثر چیزهایی که فرد را به یاد حادثه می اندازند).

0= مشکلی در این زمینه ندارم.

۱= خفیف: گاهی این مشکل را دارم ولی چندان ناراحت کننده نیست.

۲= متوسط: هر دو هفته یک بار پیش می آید که در اثر چیزی به شدت هول می کنم و از جا می پریم.

۳= شدید: بیش از یک بار در هفته پیش می آید که در اثر چیزی به شدت هول می کنم و از جا می پریم.

۴= بسیار شدید: این حالت خیلی زیاد برایم پیش می آید و بسیار شدید است.

هفته ی گذشته را درجه بندی کنید ☐

E. این بیماری چه مدت طول کشیده است؟

E1: آیا علایمی که توصیف کردید حداقل به مدت چهار هفته دوام داشته اند؟.....

E2: برای اولین بار چند ماه پس از حادثه این علایم پدید آمدند؟.....

E3: سن شما در زمانی که علایم شروع شدند

F. بعنوان قضاوت کلی [مصاحبه، و با در نظر گرفتن پاسخ های مراجع، آیا این اختلال از نظر بالینی باعث پریشانی چشمگیر یا نقایصی در حوزه های اجتماعی، شغلی یا دیگر حوزه های عملکردی مهم، شده است؟

☐ خیر

☐ بله

برگه ی نمره گذاری SIP

..... حروف اول نام خانوادگی رمزشناسایی (ID) تاریخ ساعت ویزیت

B ۱
.....
۲
.....
۳
.....
۴
.....
۵
.....
(جمع خرده مقیاس)

C ۱
.....
۲
.....
۳
.....
۴
.....
۵
.....
۶
.....
۷
.....
(جمع خرده مقیاس)

D ۱
.....
۲
.....
۳
.....
۴
.....
۵
.....
(جمع خرده مقیاس)

(جمع کل D,C,B)

برگه ی نمره گذاری مصاحبه ی ساختار یافته ی PTSD

مجموع نمرات (برای دوره ی هفته ی گذشته، یا هر دوره ی تعیین شده دیگر) مرتبط با D,C,B
Total

در پاسخ دادن به تمام موارد زیر از عدد ۱ به عنوان بله و از عدد ۲ به عنوان خیر استفاده کنید :

تشخیص بر اساس DSMIV :

- - واقعه ی آسیب زا بطور آشکار وجود داشته است
- - حداقل یک ماده از مقوله ی B دارای نمره ی حداقل ۲ است
- - حداقل ۳ ماده از مقوله ی C دارای نمره ی حداقل ۲ است
- (باید حداقل یک ماده از C1-2 و حداقل یک ماده از C3-7 وجود داشته باشد)
- - حداقل دو ماده از مقوله ی D1-5 (نمره ی هریک حداقل باید ۲ باشد)

تشخیص ؟